

صورت‌بندی نظریات فرهنگی براساس منظومه فکری امام خمینی ره

رضا لکزایی^۱

چکیده

مسئله مقاله حاضر صورت‌بندی نظریات فرهنگی براساس منظومه فکری امام خمینی ره است. نظریات فرهنگی در دو طیف کلان متعالی و متدانی طبقه‌بندی می‌شوند. نظریه فرهنگی متعالی دارای وضعیت جامع و نظریه‌ای بومی و اسلامی است. در مقابل این نظریه هفت نظریه دیگر قرار دارند که در سه سطح تک‌بعدی، دو‌بعدی و سه‌بعدی دسته‌بندی می‌شوند و دارای وضعیت ساده، پیچیده و بسیار پیچیده هستند. روش مقاله تحلیلی - استنباطی و چارچوب نظری هم ترکیبی از نظریه فطرت و نظریه انسان‌شناسی امام خمینی ره است. نوآوری این مقاله علاوه بر استفاده از چارچوب نظری بومی، طبقه‌بندی کلان و خرده‌نظریه‌های فرهنگی به هشت نوع است. واژگان کلیدی: فطرت، امام خمینی ره، نظریه فرهنگی مادی، نظریه فرهنگی تنازعی، نظریه فرهنگی شیطانی، نظریه فرهنگی متعالی.

۱. پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)؛ (rlakzaee@gmail.com).

مقدمه

مطالعات نظریه فرهنگی، یک دانش نو در ایران محسوب می‌شود؛ به طوری که آثار درباره آن، اعم از کتاب و مقاله تألیفی و ترجمه‌ای، کمتر از انگشتان دست است. با توجه به این پیشینه و سابقه، بحث از نظریات فرهنگی کاری دشوار است.

جوامع و ملت‌های مختلف، دارای فرهنگ‌های متفاوت هستند؛ حتی گاهی بخش‌هایی از افراد یک کشور، دارای فرهنگ‌های گوناگون هستند. این مسئله نیز بر دشواری کار می‌افزاید.

مسئله مقاله صورت‌بندی نظریات فرهنگی است. به تعبیر دیگر، مسئله ما این است که آیا می‌توان فرهنگ‌های مختلف و متشتت و گوناگونی را که در سطح جهان وجود دارد، و شاید برای برخی از آنها نظریه‌ای مدون ارائه نشده باشد، را احصا نمود؟ بر فرض انجام این کار، آیا امکان دارد که از میان آن نظریه‌های فرهنگی، یک نظریه فرهنگ را به عنوان نظریه فرهنگی برتر انتخاب کرد؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، چگونه امکان دارد برای انسان‌هایی که دارای نژادها، رنگ‌ها، جنسیت‌ها، زبان‌ها و جغرافیای متفاوتی هستند، یک نظریه فرهنگی را پیشنهاد داد؟

نگارنده تلاش دارد با پاسخ دادن به این پرسش‌های خرد، به مسئله کلان مقاله که صورت‌بندی نظریات فرهنگی است، بپردازد.

مفاهیم و چارچوب نظری

الف - تعریف فرهنگ از نظر امام خمینی^{ره}

فرهنگ از نظر امام خمینی^{ره} عنصر ارزشمندی است که هویت و موجودیت هر جامعه را تشکیل می‌دهد: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۵، ص ۲۴۳؛ ر.ک: هاشمیان و نامخواه، ۱۳۹۴: ص ۴۵ - ۶۲). توضیح آنکه، براساس انسان‌شناسی امام خمینی، انسان حداقل دارای سه بعد است: روحی و عقلی، نفسی و قلبی، جسمی و بدنی.

به عبارت دیگر: این ابعاد، هویت و موجودیت انسان را می‌سازد؛ نه اینکه انسان

تک‌بعدی باشد و فقط یک وجود مادی و یا فقط یک وجود روحی و معنوی داشته باشد. برآیند باورها، گرایش‌ها و رفتارهای انسان، «طرز زندگی انسان» (<http://isin.ir/node>) پدید می‌آورد.

بنابراین، تعریف فرهنگ براساس دیدگاه امام خمینی، طرز زندگی انسان است. زندگی انسان هم چیزی نیست جز مجموعه‌ای از اعمال، رفتارها، تمایلات، هیجانات، احساسات، گرایش‌ها، اندیشه‌ها، باورها و بینش‌ها. روشن است که این موارد در تنهایی شکل نمی‌گیرد؛ بلکه بستر شکل‌گیری آن خانواده و جامعه است.

ب - تعریف نظریه

برای نظریه هم مثل مفهوم فرهنگ، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. برخی از متفکران نظریه را به دو مدل تقسیم کرده‌اند:

۱. مدل متعارف

برای مثال «ما براساس نظریه دست‌ودلباز بودن برخی انسان‌ها یا خونگرم بودن برخی دیگر از انسان‌ها که گذشت زمان در ذهن‌های ما حک کرده است، رفتارهای خودمان را در برابر چنین افرادی تنظیم می‌کنیم. ... برای مثال شما براساس تجارب گذشته، به این امر پی برده‌اید که هنگام عصبانیتِ پدرتان باید تا زمان فروکش کردن عصبانیت او حرف نزنید. در واقع شما نظریه رفتار با پدر در هنگام عصبانیت را ساخته‌اید. ضرب‌المثل‌ها هم همین کارکرد را دارند. مثلاً این ضرب‌المثل را در نظر بگیرید: یک دست صدا ندارد. این ضرب‌المثل و امثال آن، «آکنده از شعور متعارف هستند» (هچ و کانلیف، ۱۳۸۹: ص ۲۵). در عالم نظریه‌پردازی، به این نظریه‌ها نظریه‌های مبتنی بر شعور متعارف گفته می‌شود.

۲. مدل علمی

نظریه‌پردازان که دقت نظر بیشتری در فعالیت پژوهشی خود دارند، نظریه خود را در معرض قضاوت دیگران قرار می‌دهند، در اصلاح خطاهای آن می‌کوشند و از ابزارهای متنوع و متکثر بهره می‌برند (همان: ص ۱۲).

این نظریه‌ها که در طیفی از ساده به پیچیده، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی می‌شوند، به انسان‌ها در برخورد با رویدادها کمک می‌کنند. برای مثال، یکی از نمایندگان مجلس برای

بحث پیرامون افزایش میزان خودکشی در یک کشور، به میزگردی در یکی از برنامه‌های صداوسیما دعوت می‌شود. این نماینده، نظریه‌هایی را در ذهن دارد که پدیده خودکشی را تئوریزه کرده‌اند. یکی از این نظریه‌ها نظریه دورکیم است که: هرچه انسجام اجتماعی در جامعه کاهش یابد، میزان خودکشی بالاتر می‌رود. نماینده مجلس با اتکا به این نظریه، دلایل خودکشی را به صورت ساده چنین تبیین می‌کند:

قانون کلی: هرچه انسجام اجتماعی کمتر باشد، خودکشی بیشتر می‌شود.

رخداد: انسجام اجتماعی در کشور پایین است.

نتیجه: چون انسجام اجتماعی در کشور پایین است، میزان خودکشی بالاست.

اکنون وزیری را در نظر بگیرید که پست مدیریت را بدون آشنایی با نظریه‌های مدیریت می‌پذیرد. وی در برخورد با مسائل چگونه راه‌حل ارائه می‌دهد؟ احتمالاً براساس شیوه آزمون و خطا. خوب در این صورت آیا این مدل مدیریت هزینه‌آور نخواهد بود؟ البته ممکن است برخی نظریاتی را آموخته باشند، اما از به کار بستن آن ناتوان باشند؛ چرا که به کاربردن یک نظریه، کاری خلاقانه است، نه اقدامی منفعل که گویی نسخه‌ای است پیچیده‌شده که باید براساس آن عمل کرد. بنابراین، باید هم نظریه را شناخت و هم به چگونگی کاربرد آن آگاهی داشت (همان: ص ۱۳).

براین اساس مراد از نظریه، مجموعه‌ای منسجم و سازگار و سازوار است که به ما قدرت توصیف (چیستی)، تحلیل (چگونگی)، تبیین (چرایی)، تجویز (باید و نباید) و پیش‌بینی می‌دهد.

ج - صورت‌بندی نظریه‌های فرهنگی از منظر امام خمینی^{ره}

صورت‌بندی و طبقه‌بندی، در تولید و تبیین و نقد و بررسی نظریه، نقشی کلیدی دارد. به اعتقاد برخی از اندیشمندان، طبقه‌بندی بنیان نظریه‌هاست و تا زمانی که طبقه‌بندی صورت نگیرد، نظریه خلق نخواهد شد (همان: ص ۲۵).

نظریه فرهنگی امام خمینی^{ره} می‌تواند در عرصه فرهنگ، به ما قدرت توصیف، تحلیل، تبیین، تجویز و پیش‌بینی آینده را بدهد. نظریه فرهنگی امام خمینی دارای دو بعد سلبی و ایجابی است؛ به این معنا که هم به ما توانایی فهم و طبقه‌بندی و تحلیل نظریه‌های رقیب را

می‌دهد و هم وضع مطلوب را ترسیم می‌کند.

قبل از پرداختن به صورت‌بندی نظریه‌های فرهنگی از منظر امام خمینی، لازم است به این پرسش پاسخ بدهیم که انواع انسان کدام است؟ آن‌گاه به تعداد انواع انسان، انواع نظریه فرهنگی خواهیم داشت.

براساس نظریه فطرت امام خمینی، همه انسان‌ها به دنبال کمال مطلق هستند و در این امر، انسان سنتی و مدرن، شهری و روستایی، آسیایی و اروپایی، آفریقایی و آمریکایی، آریایی و آنگلوساکسون و ژرمن، سیاه و سفید، زرد و سرخ، زن و مرد، و پیر و جوان، با هم مشترک‌اند و تمایز و تفاوت از مصداق‌های کمال پدید می‌آید. چون هر کدام، یک چیز محدود را کمال مطلق می‌پندارد. این نظریه، بعد بین‌المللی نظریه فرهنگی امام را تأمین می‌کند.

براساس دستگاه فکری امام خمینی(ره)، چرا انسان در تشخیص کمال حقیقی دچار اشتباه می‌شود و این اشتباه چه تأثیری در صورت‌بندی نظریه‌های فرهنگی امام خمینی دارد؟ پاسخ به‌اختصار این است که انسان دارای چهار قوه است: شهویه، غضبیه، وهمیه و عاقله. هریک از قوا که حکمران وجود کشور انسان باشد، کمال مطلق را نیز همان تعیین می‌کند و براین اساس، ما با نظریه‌های فرهنگی روبه‌رو خواهیم بود و نه یک نظریه فرهنگی.

براساس نگاه انسان‌شناسی ابتکاری امام خمینی(ره) که مبتنی بر مطالعه تجربی است و از مشاهده نوزاد و توضیح قوای او شروع می‌شود، انسان چهار قوه دارد. این قوا به ترتیب در انسان حاصل می‌شود. زودتر از همه، قوه شهوت خود را نشان می‌دهد که در آغاز، خوردن و آشامیدن را بر عهده دارد. در مرتبه بعد، قوه غضبیه به‌صورت خیلی ضعیف پدید می‌آید؛ چون اگر نوزاد را از خوردن شیر مادر منع کنند، در مقام دفع برمی‌آید و گریه می‌کند. پس از این، قوه واهمه ایجاد می‌شود که گاهی از آن به قوه شیطنت تعبیر می‌شود.

در بخش دوم، امام خمینی(ره) به فواید این قوا می‌پردازد. اگر قوه شهوت نباشد، بقای نوع، امکان‌پذیر نیست؛ بلکه بقای شخصی نیز، به خطر می‌افتد. قوه واهمه هم بسیار قوه شریفی است؛ زیرا اگر انسان تدبیر نداشته باشد و در کارهای خود بدون قوه تدبیر اقدام کند، نمی‌تواند زندگی خود را ادامه دهد و امور معاش خود را اصلاح نماید.

بخش سوم این دیدگاه، راجع به عقل است. این قوای سه‌گانه قدرت تشخیص ندارند و هر جا که تمایلاتشان آنها را برد، می‌روند و به این ترتیب در برخی موارد، نظام انسانی و اجتماعی را مختل می‌کنند. اگر این قوا خودسر باشند و آزادی نامحدود داشته باشند و بدون محدودیت کار کنند، به همه جا سر می‌زنند و سرک می‌کشند و فساد ایجاد می‌کنند. پس لازم است طبق يك میزان صحیح حرکت کنند و به هر چیزی که تمایل داشتند، با اجازه دست بزنند؛ در نتیجه، قوه دیگری لازم است به نام قوه عاقله.

بخش چهارم این دیدگاه به کارکرد عقل می‌پردازد. امام خمینی علیه السلام بر این باور است که این قوه در مملکت بدن، بعد از آن سه قوه ایجاد شده است. پس غلبه عقل بر آن قوا سخت است؛ زیرا عقل باید قلعه‌گیری کند و طوری مستقر شود که قوای سه‌گانه را تحت تسخیر حکومت خود بیاورد تا بتواند به آنها امر و نهی کند؛ درحالی‌که آنها قبلاً مستقر شده‌اند و خودشان را در سرزمین قلب گسترده‌اند و خارج کردن ریشه‌های آنها از قلب، امر مشکلی است. بنابراین، غلبه بر آنها مشکل و تسلط بر آنها بدون تضعیف آنها کار دشواری است. از این رو قوه عاقله به تنهایی کافی نیست.

بخش پنجم و پایانی دیدگاه امام خمینی علیه السلام در این مورد است که عقل برای تصرف قلعه و حکمرانی بر سایر قوا به کمک نیاز داد؛ از این رو حضرت احدیت، انبیا و اولیا و علما را برای پشتیبانی و کمک به این قوه فرستاده تا آن را کنترل و رام کنند و تحت فرمان عقل، بلکه عقل کل و دستور شرع درآورند (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۳۶۵-۳۶۶).

همین نقطه، محل تولد نظریه فرهنگی امام خمینی علیه السلام است که ما از آن به نظریه فرهنگی متعالی تعبیر می‌کنیم. از اینجاست که طرز زندگی انسان از حیوان جدا می‌شود. انسان بدون بهره‌مندی از تعلیم و تربیت و حیانی، هم‌افق با سایر حیوانات است؛ اما با امکانات نامحدود که فطرت و عقل از مهم‌ترین آن امکانات هستند، می‌تواند به جایگاه و مقامی رفیع دست پیدا کند. البته برخی ابایی ندارند که به انسان حیوان اطلاق کنند و تصریح کنند که «انسان حیوانی است با فرهنگ» (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ص ۱۲).

بنابراین، انبیا و اوصیا به‌عنوان عقل ظاهری، به کمک عقل باطنی آمده‌اند تا با کنترل آن به عقل کمک کنند که حکمران روح و جسم انسان شود. به دیگر سخن، انبیا با تعریف

چارچوب‌هایی با عنوان حلال و حرام و واجب و مستحب و مکروه و مشروع و نامشروع، سایر قوا را رام و آرام می‌کنند و به تقویت قدرت عقل همت می‌گمارند. عقل در این تبیین، مؤنث و مذکر ندارد و ناقص هم نیست؛ فقط ضعیف است و این ضعف هم ذاتی آن نیست؛ بلکه به سبب دیرتر شکوفا شدن آن است و لذا این ضعف با تبعیت از تعالیم عقل بیرونی یعنی انبیای الهی برطرف می‌شود. بدون معنویت، انسان تحت تسخیر قوای حیوانی خود قرار دارد و به وادی عقلانیت پا نگذاشته است. زمانی انسان وارد سرزمین عقلانیت و معنویت می‌شود که طبق نقشه انبیای الهی حرکت کند. نمود بیرونی این حرکت، در عالم سیاست قرار گرفتن انبیا و اوصیا و علمای ربانی در رأس هرم قدرت است (امام خمینی، ۱۳۷۷: ص ۱۴؛ همو، ۱۳۸۸: ص ۱۴۹؛ لبخندق، ۱۳۹۰: ص ۵۵-۸۰).

دغدغه هریک از این قوا، ریاست بر کشور وجود انسان است. بسته به اینکه کدام‌یک از این چهار نیرو، مدیریت جسم و جان انسان را به دست بگیرد، چهار نوع انسان شکل خواهد گرفت و به تبع، چهار نوع فرهنگ و چهار مدل نظریه فرهنگی خواهیم داشت.

امام خمینی(ره) از انسان‌های ترکیبی هم اسم می‌برد؛ انسان‌هایی که دو قوه، یعنی «قوه شهویه بهیمیه + قوه غضبیه سبعیه» و «قوه شهویه بهیمیه + قوه واهمه شیطانیه» و «قوه غضبیه سبعیه + قوه واهمه شیطانیه» و یا سه قوه، یعنی «قوه شهویه بهیمیه + قوه غضبیه سبعیه + قوه واهمه شیطانیه» در کشور وجود آنها فعال هستند. بنابراین، انواع انسان و طبیعتاً انواع نظریه فرهنگی از منظر امام خمینی(ره) هشت مدل خواهد بود (ر.ک: جدول شماره ۱).

این مدل انسان‌شناسی، بر پایه طبقه‌بندی ابتکاری امام خمینی طراحی و براساس دستگاه حکمت متعالیه که به تعبیر امام خمینی مصداق بارز فلسفه اسلامی است، ارائه شده است. در این تحلیل، انسان نوع نیست؛ بلکه جنس است که انواع پرشمار و بلکه بی‌شمار دارد. قاعده معروف جسمانیه الحدود و روحانیه البقاء و پذیرش و اثبات تناسخ ملکوتی بر مبنای حکمت متعالیه، این دستگاه انسان‌شناسی را از تشبیه فراتر می‌برد و یک امر واقعی معرفی می‌کند.

طبق این تحلیل، مقیاس و ظرف بروز و ظهور فرهنگ، عبارت است از: «رفتار شخصی و فردی»، «خانواده» و «اجتماع و بین‌الملل». از همین جا روشن می‌شود که فرهنگ زیربناست

و دیگر امور همچون قدرت و ثروت و رسانه، روبنا محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، روشن می‌شود که فرهنگ به سیاست و اقتصاد جهت می‌دهد و بلکه سیاست و اقتصاد یعنی دو رکن مهم تمدن بشری را می‌سازد. بنابراین فرهنگ و اقتصاد و سیاست، سه ضلع یک مثلث را تشکیل می‌دهند و این فرهنگ است که به سیاست و اقتصاد جهت می‌دهد.

در جدول ذیل، چارچوب نظری مقاله حاضر را ملاحظه می‌کنید.

نقش دین در صورت‌بندی نظریات فرهنگی	ملاک وحدت و کثرت نظریات فرهنگی	صورت‌بندی کلان نظریات فرهنگی	انواع نظریات فرهنگی	انواع انسان	ردیف
مصادق کمال واقعی را به بشر معرفی می‌کند.	براساس فطرت، به دنبال کمال حقیقی است و چون کمال واحد است، وحدت دارد.	نظریه فرهنگی متعالی که مشکک است	نظریه فرهنگی متعالی	انسان عقل‌محور	۱
	در تشخیص مصادق کمال حقیقی که مطلوب فطرت است، اشتباه کرده و به دنبال مصادیق غیرواقعی رفته، در نتیجه دچار تشتت و کثرت شده است.	نظریه‌های فرهنگی متدانی که متکثر هستند	نظریه فرهنگی مادی	انسان شهوت‌محور	۲
			نظریه فرهنگی تنازعی	انسان خشونت‌محور	۳
			نظریه فرهنگی شیطانی	انسان شیطنت‌محور	۴
			نظریه فرهنگی مادی تنازعی	انسان شهوت‌محور + انسان خشونت‌محور	۵
			نظریه فرهنگی مادی شیطانی	انسان شهوت‌محور + انسان شیطنت‌محور	۶
			نظریه فرهنگی تنازعی شیطانی	انسان خشونت‌محور + انسان شیطنت‌محور	۷
			نظریه فرهنگی مادی تنازعی شیطانی	انسان شهوت‌محور + انسان خشونت‌محور + انسان شیطنت‌محور	۸

جدول شماره (۱)

در ادامه، مختصات انواع هشت‌گانه نظریه فرهنگی امام خمینی(ره) تجزیه و تحلیل و ارائه می‌شود. نوآوری مقاله حاضر ارائه صورت‌بندی نظریات فرهنگی از منظر امام خمینی(ره) است که برای اولین بار ارائه می‌شود.

روشن است که بر مبنای هشت نظریه فرهنگی، با هشت جریان فرهنگی در سطوح مختلف و از جمله در سطح بین‌الملل روبه‌رو خواهیم بود که پرداختن به آن مجال دیگری می‌طلبد.

الف. نظریه‌های فرهنگی تک‌ساحتی

مراد از نظریه‌های فرهنگی تک‌ساحتی نظریه‌هایی است که براساس محوریت و کمال دانستن تمایلات یک قوه از قوای چهارگانه‌گانه وجود انسان سامان و سازمان می‌یابند.

۱. نظریه فرهنگی مادی

آنچه در این نظریه فرهنگی موضوعیت دارد، این است که طبق چارچوب نظری مقاله، با خطا در تشخیص کمال مطلق، یک یا چند امر مادی، مصداق کمال تعیین می‌شوند. امام خمینی(ره) نماد یا مثال گاو را برای این نظریه فرهنگی به کار می‌برد؛ چنان‌که می‌توان گفت: براساس ادبیات مارکسیستی، استعاره «زَر» برای توصیف و تبیین این نظریه مناسب است. در ادبیات رایج، نظریه‌های فرهنگی که درباره نژاد و جنسیت و نظریه‌های فرهنگی که بر بدن تمرکز دارند، در همین قلمرو قرار می‌گیرند (ر.ک: اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ص ۴۴۱-۵۰۹).

تبیین

نظریه فرهنگی مادی، مبتنی بر قوه شهویه است. قوه شهویه که آن را «نفس بهیمی» گویند، مبدأ شهوات و جلب منافع و لذات در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و ازدواج است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۹). شاید نمونه بارز این نوع نظریه فرهنگی در قرآن کریم، قارون و زلیخا و قوم لوط باشند. روشن است که انسان تمایلات گوناگونی دارد؛ مانند: ثروت، رفاه، فایده و احترام. براین اساس، کارویژه قوه شهویه جلب و جذب منافع و لذایذ مادی است. به عبارت دیگر: خوراک، پول، پوشش، آرایش، جراحی زیبایی، زیورآلات، موسیقی، مدل ماشین، مکان و متراژ خانه، شهرت، محبوبیت، وسایل منزل و غریزه جنسی، از

چیزهایی هستند که صرف‌نظر از مشروع یا نامشروع بودن، محل تجلی بارز قوه شهویه محسوب می‌شوند که معطوف به خواسته‌های جسمانی و بدنی هستند. در ادامه به دو مؤلفه ثروت و لذت اشاره می‌کنیم.

الف) ثروت

یکی از متفکرانی که به طور مبسوط از این منظر به انسان نگریسته است، تورستن وبلن است. او می‌نویسد:

«در حالت طبیعی، میل به گردآوری ثروت در افراد، کمتر سیری‌پذیر است و عموماً سیر شدن از میل گردآوری مال غیرممکن است. توزیع ثروت، هر اندازه وسیع، عادلانه یا منصفانه باشد و ثروت جامعه هر چقدر هم افزایش پیدا کند، باز هم شخص احساس سیری نمی‌کند و این زمینه‌ای است که هر فرد را برمی‌انگیزد تا در گردآوری ثروت، از دیگران پیشی گیرد. اگر به فرض، زمانی انگیزه مال‌اندوزی در حد تأمین معاش روزمره یا نیازهای بدنی محدود می‌شد، امکان داشت که در مرحله‌ای از پیشرفت تولیدی، میل به انباشت ثروت در جامعه متوقف شود؛ ولی چون این مبارزه اساساً مسابقه‌ای است برای کسب اعتبار بیشتر در میدان مقایسه رشک‌انگیز، دسترسی به یک حد مطلق امکان‌پذیر نیست» (وبلن، ۱۳۸۶: ص ۷۷).

او در ادامه این نکته را مطرح می‌کند که افزایش راحتی و برآوردن هرچه بیشتر خواسته‌ها و دست یافتن به احترام و رضایت خاطر، از دلایل دیگری است که فرد به دنبال کسب ثروت می‌رود (همان: ۷۸). میان کمالات مادی شخص می‌توان اولویت‌هایی را در نظر گرفت؛ اما این اولویت‌ها و به تعبیر امام خمینی «کمالات»، مادی هستند. براساس این نوع نظریه فرهنگی حتی اگر ماه را هم نتوان خرید و فروش کرد، ارزشی ندارد (بلومبرگ، ۱۳۹۰: ص ۲۳۲). البته وبلن تصریح می‌کند:

«یکی از استثناهای بارز این قاعده کلی، افرادی هستند که به ایمان دینی

محکم شهرت دارند» (وبلن، ۱۳۸۶: ص ۷۶).

ب) لذت

متفکر دیگری که در زمینه فرهنگ مادی سخن گفته بنام است. ویلیام تامس جونز چکیده تفکر بنام را این طور خلاصه می‌کند:

«از میان امکانات مختلفی که در هر مورد در برابر ما وجود دارد، باید آن امکان را برگزینیم که بزرگ‌ترین سعادت (یعنی بزرگ‌ترین لذت) را برای حداکثر افراد ایجاد کند» (جونز، ۱۳۷۳: ص ۱۰۷۸).

بر این مبنا، فرهنگ لذت و رفاه‌زدگی و مصرف‌زدگی در گردش است و برای دست یافتن به لذت، محدودیتی جز خواسته‌های نفسانی و شهوانی افراد که ممکن است به قانون هم تبدیل شده باشند، وجود ندارد.

ویژگی‌ها

فرهنگ خودش وجود مستقل ندارد؛ بلکه وجود فرهنگ وابسته به وجود انسان‌هاست. بنابراین مراد از ویژگی‌های فرهنگ مادی، ویژگی‌های انسان‌هایی است که در این مدل فرهنگ تنفس می‌کنند.

۱. افراد در این فرهنگ منفعت‌محور و حس‌گرا هستند، خواسته‌های جسمی و جنسی برای آنها اصالت دارد و توقع دارند همه نیازهایشان به سرعت برآورده شوند (چارلز اس و دیگران، ۱۳۸۷: ص ۳۹۶)؛ در نتیجه امکان دارد گرفتار قساوت، سرقت، اختلاس، رشوه، کلاهبرداری و ... شوند.

۲. محرک افراد در این فرهنگ، یا دست یافتن به تشویق است و یا فرار از تنبیه. به تعبیر دیگر: محرک اشخاص در این فرهنگ، به دست آوردن ثروت، پول، لذت، احترام، شهرت، زیبایی، مقام، فایده، گریختن از درد، ترس از پلیس و زندان و ... است.

۳. خصوصیت قوه شهویه که فرهنگ مادی را جهت می‌دهد این است که سیری‌ناپذیر است و اشتهاهی روزافزون و خاموش نشدنی دارد: «قوه شهویه در انسان طوری است که اگر زن‌های يك شهر، به فرض محال، به دست او بیاید، باز متوجه زن‌های شهر دیگر است و اگر از يك مملکت نصیبش شد، متوجه مملکت دیگر است و همیشه آنچه ندارد می‌خواهد.» (امام خمینی، ۱۳۷۷: ص ۱۹)

از این رو در جوامعی که چنین فرهنگی دارند، تجاوز جنسی، تنوع ازدواج و مصرف انواع مواد مخدر شیوع دارد و با این که مدعی‌اند بی‌حجاب دیدن زن‌ها برای آنها عادی شده دارای آمار بالایی تجاوز به عنف هستند.

۴. افراد این فرهنگ از مرگ می‌ترسند؛ چون برای امور مادی اصالت قائل شده‌اند و حتی از یاد مرگ نیز هراسان و گریزان هستند؛ زیرا یاد مرگ در نظریه فرهنگی مادی یک امر نامطلوب و ضد ارزش است و مرگ به‌ویژه نوع داوطلبانه آن، یعنی شهادت، خسارت و ضرر صددردصد انگاشته می‌شود (همان، ۱۳۸۵: ج ۱۷، ص ۲۱۱-۲۱۲).

۵. در این نظریه فرهنگی از ارزش‌های معنوی خبری نیست و ارزش‌ها هویت مادی و دنیوی دارند و «ارزش‌های انسانی ... عبارت از این است که چند تا سگ دارد و چند تا اتموبیل دارد و چند تا پارک دارد و چند تا نوکر دارد» (همان، ۱۳۸۵: ج ۱۷، ص ۲۱۲).

به دیگر سخن: در این نظریه اقتصاد اصالت، اولیت و اولویت دارد و ملاک سنجش همه چیز صفرهای حساب بانکی است؛ زیرا در این نظریه فرهنگی، اقتصاد ارزش ماهوی و ذاتی دارد نه ارزش ابزاری (همان، ۱۳۸۵: ج ۸، ص ۸۵).

۶. ملاک برتری در این فرهنگ، بهره‌مندی از امور مادی است؛ لذا افراد، کسان و یا کشورهایی را که دارای امکانات رفاهی و مادی هستند، برتر و ارزشمندتر از خود می‌دانند و خود را در مقایسه با آنها کوچک و حقیر می‌بینند. به این ترتیب، حس اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند و احساس وابستگی به آن کشور یا شخص در وجودشان شکل می‌گیرد.

۷. ملی‌گرایی و نژادپرستی و برای مثال برتری سفیدپوستان بر سیاه‌پوستان، از دیگر ویژگی‌های نظریه فرهنگی مادی است. البته روشن است که میهن‌دوستی با ملی‌گرایی تفاوت دارد. میهن‌دوستی مطلوب و ملی‌گرایی نامطلوب است.

۸. ساکنان نظریه فرهنگی مادی از وضعیت خود ناراضی‌اند. این هم از ویژگی‌های قابل تأمل و قابل تجربه این نظریه است. امام خمینی در این زمینه می‌نویسد:

«آن انسانی که در صورت انسان و از جنود شیطان است و تو را دعوت به شهوات می‌کند و می‌گوید زندگانی مادی را باید تأمین کرد، قدری در حال خود او تأمل کن و قدری از او سؤال کن و بین آیا خودش از وضعیت

خویش راضی است؟ یا آنکه خودش مبتلا است و می‌خواهد بیچاره دیگری را هم مبتلا کند؟» (همان، ۱۳۷۷: ص ۷).

۹. در فیلم‌ها و رسانه‌های این فرهنگ، محتوای جنسی و نمایش تجملات و مصرف‌زدگی، ظهور و بروز نمایانی دارد.

۱۰. در نظریه فرهنگی مادی، حلال و حرام و مشروع و نامشروع معنا ندارد و مهم، رسیدن به خواسته خود است و هر طور که این خواسته بهتر تأمین شود، همان مناسب است و توصیه می‌شود. تنها چیزی که حدود شمرده می‌شود، خود نفع و ضرر است.

۱۱. ممکن است یکی از تمایلات شهوانی در یک فرهنگ، مهم‌تر از سایر تمایلات تلقی شود. توجه به این مطلب به ما نشان می‌دهد که فرد در دوراهی‌ها و تزاحمات کدام مورد را انتخاب می‌کند. مثلاً ممکن است که شخص برای به دست آوردن احترام یا شهرت یا مقام، از پول بگذرد و به فقرا کمک کند، یا کاری که در ظاهر خیر است، انجام دهد.

طبق نظریه فرهنگی متعالی، چنین شخصی همچنان در فضای نظریه فرهنگی مادی تنفس می‌کند و نمی‌شود او را از آن هوا و فضا جدا دانست؛ زیرا آنچه که او آن را کمال می‌داند، یک منفعت صرفاً دنیوی و مادی است. یا کسی را که به‌خاطر حفظ شکل بدنش، کم غذا می‌خورد یا غذای ساده می‌خورد، نمی‌توان انسان ساده‌زیست یا زاهد یا هم‌درد با گرسنگان دانست.

۲. نظریه فرهنگی تنازعی

محور نظریه فرهنگی تنازعی، نفس سبعی است که در قرآن نمونه بارز آن فرعون و نمرود و اصحاب اُخدود هستند. امام خمینی (ره) نماد یا مثال پلنگ را برای این نظریه فرهنگی به کار می‌برد؛ چنان‌که می‌توان گفت: براساس ادبیات مارکسیستی، استعاره «زور» برای توصیف و تبیین این نظریه مناسب است.

تبیین

نظریه فرهنگی تنازعی، مبتنی بر قوه غضبیه است. امام خمینی (ره) به‌عنوان فیلسوف اجتماعی و انسان‌شناس، در مورد شبکه معنایی غضب، بحث مفصلی انجام داده است. ایشان غضب را حالت افراطی قوه غضبیه آدمی می‌داند و در تبیین آن با استناد به کتب لغت

(جوهری، ۱۴۰۵: ج ۶، ص ۲۴۶۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۱، ص ۱۶۸) می‌نویسد: غلظت، شدت، صلابت و سختی قلب را قساوت می‌نامند، که متضاد لین و رقت و نرمی است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ص ۲۳۹).

غضب حالتی نفسانی است که باعث می‌شود خون انسان با هدف گرفتن انتقام به جوش بیاید. وقتی این جوشش شدت بگیرد، آتش غضب را شعله‌ور و فضای ذهن را آکنده از دودی تاریک و غلیظ می‌کند. این دود تیره و متراکم و غلیظ، باعث اختلال و انحراف کارکرد عقل می‌شود. در این حالت، نه‌تنها موعظه و نصیحت برای انسان خشمگین فایده‌ای ندارد، بلکه آتش خشمش را بیشتر می‌کند (همان: ص ۲۴۰). وقتی چنین موجودی ریاست شخص و جامعه را بر عهده بگیرد و عهده‌دار مدیریت فرد و جامعه شود، در آن فضا، نظریه فرهنگی تنازعی شکل می‌گیرد.

در این نظریه فرهنگی اساساً عدل و ظلم معنا ندارد؛ چون معتقد به حق زور هستند؛ یعنی هر حقی را ناشی از زور می‌دانند. این نظریه از سوی نیچه، فیلسوف معروف آلمانی نیز دنبال شده است. نیچه تصریح دارد که دین را ضعفا اختراع کرده‌اند، برای اینکه قدرت اقویا را محدود کنند. به عقیده نیچه، خیانت دین به بشر این است که مفاهیمی همچون بخشش، جود، رحم، مروت، انسانیت، خوبی و عدالت را بین مردم منتشر کرده و بعد اقویا فریب خورده و مجبور شده‌اند کمی از قدرت خود بکاهند (ر.ک: مطهری، بی‌تا: ج ۲۳، ص ۱۶۹).

امام خمینی رحمته‌الله، اسرائیل (۱۳۸۵: ج ۱۸، ص ۲۰۸) هیتلر (۱۳۸۸، ص ۲۴۶-۲۴۵) و صدام (۱۳۸۵: ج ۱۷، ص ۵۸) را از مصادیق کسانی می‌داند که در چارچوب نظریه فرهنگی تنازعی قرار دارند. اهمیت این تحلیل فرهنگی امام خمینی از شخصیت صدام زمانی برجسته می‌شود که بدانیم چند سال بعد از این تحلیل امام خمینی رحمته‌الله، زمانی که صدام نیروهایش را در نزدیکی مرز کویت مستقر کرده بود، آمریکایی‌ها از تحلیل این حرکت صدام ناتوان بودند و نمی‌دانستند آیا او قصد حمله به کویت را دارد یا نه. بعد از اینکه صدام به کویت حمله کرد، آمریکا کاملاً غافلگیر شد (وود وارد، ۱۳۷۱: ص ۱۶).

مبنای پیش‌بینی امام خمینی رحمته‌الله، دستگاه انسان‌شناسی ایشان بود؛ دستگاهی که در تحلیل‌های سیاسی و در هم‌آوردی با سایر مکاتب و نظریه‌ها بسیار پر قدرت و پرفریت است.

ویژگی‌ها

۱. خسارت‌های این قوه پرشمار و بلکه بی‌شمار است و به علت سرعت، عمق و توان تأثیر، از سایر قوا مخرب‌تر و خطرناک‌تر است؛ «زیرا این قوه با سرعت برق گاهی کارهای بسیار بزرگ خانمان‌سوز کند و با يك دقیقه انسان را از تمام هستی و سعادت دنیا و آخرت ساقط کند» (همان، ۱۳۸۸: ص ۳۷۱).
۲. افراد در این نظریه فرهنگی خواهان سلطه و قدرت نامحدود هستند. «قوه غضب در انسان طوری مخلوق است که اگر مالک الرقاب مطلق يك مملکت شود، متوجه مملکت دیگر می‌شود که آن را به دست نیاورده» (همان، ۱۳۸۸: ص ۲۵۳).
۳. در این نظریه فرهنگی، محبت و رحمت و عطوفت به صورت بسیار متزلزل و کم‌رنگ حضور دارد و از حد غریزی و حیوانی فراتر نمی‌رود (همان، ۱۳۸۸: ص ۲۵۴).
۴. این نظریه فرهنگی ممکن است کینه و بغض به بندگان خدا، حتی انبیا و اولیا و بلکه کینه و بغض به خداوند متعال را ترویج و نهادینه کند.
۵. حسادت از دیگر ویژگی‌های فرهنگ تنازعی است (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۷: ص ۱۳۸). حسود در این نظام فرهنگی بلافاصله به قدرت متوسل می‌شود و نعمتی را که فکر می‌کند شخص یا خانواده یا شهر یا کشور دیگر دارد، مال خود می‌کند و اگر نتواند، از بین می‌برد.
۵. توهین به اشخاص، اهانت به مقدسات، شکستن حرمت مکان‌های مقدس و زمان‌های مقدس، مجروح کردن و کشتن بی‌گناهان، تجاوز، فاش کردن رازهای دیگران، آجر کردن نان یک خانواده و شکستن حرمت‌های الهی، از مفاسد بی‌شمار فرهنگ تنازعی است. این فرهنگ «ام امراض نفسانی و کلید هر شر» است (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۷: ص ۱۳۸).
۶. فیلم‌های این فرهنگ خشونت‌محور هستند و عنصر خشونت و جنایت در رسانه‌هایی که نماینده و نماد این فرهنگ هستند، نمود بارزی دارند.
۷. در نظریه فرهنگی تنازعی، خشم، نزاع، حمله، درگیری، خشونت زبانی و جسمی و سلطه بر دیگران اصالت دارد و آن فرد و جامعه به میزانی که بر دیگری (شخص دیگر یا کشور دیگر) تسلط داشته باشد، خود را موفق و پیروز می‌داند.
۷. کبر هم در این نظریه فرهنگی برجسته و پررنگ است. ساکنان نظریه فرهنگی تنازعی

چون خود را برتر و بالاتر از دیگران می‌دانند و دیگران را کوچک، ناچیز، ناتوان و بی‌دفاع می‌بینند، به خود اجازه می‌دهند بلافاصله با آتش خشمشان، خان‌ومان دیگران را بسوزانند. در نتیجه چنین جوامعی با زندان‌ها و دادگاه‌های شلوغ و ناامنی روزافزون روبه‌رو هستند. شبکه معنایی کبر، به‌عنوان شاخصه کلیدی فرهنگ تنازعی، در جدول ذیل قابل مشاهده است (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۸: ص ۳۹۸).

شبکه معنایی کبر به‌عنوان شاخصه کلیدی فرهنگ تنازعی		
منشأ کبر	خودبینی و خودخواهی	استکبار مقابل استسلام
مفهوم کبر	حالت نفسانی که باعث می‌شود خود را بزرگ‌تر و بالاتر از دیگران ببیند.	است. استسلام به معنای اطاعت ظاهری از روی تسلیم باطنی است.
مفهوم تکبر	اگر طبق آن حالت نفسانی رفتار کند و در ظاهر بر بندگان خدا بزرگی فروشد، گویند تکبر کرد.	پس، نه هر انقیادی استسلام است و نه هر نافرمانی و سرکشی
مفهوم استکبار	اگر از روی این کبرای نفسانی، نافرمانی و سرکشی کند، گویند استکبار نمود. پس استکبار، نافرمانی و سرکشی حاصل از کبر است.	ناافرمانی و سرکشی استکبار.

۳. نظریه فرهنگی شیطانی

نظریه فرهنگی شیطانی فریب‌محور است. در قرآن نمونه بارز این نوع فرهنگ، شیاطین جنی و انسانی هستند. امام خمینی ره نماد یا مثال شیطان را برای این نظریه فرهنگی به کار می‌برد؛ چنان‌که می‌توان گفت: براساس ادبیات مارکسیستی، استعاره «تزویر» برای توصیف و تبیین این نظریه مناسب است.

تبیین

نظریه فرهنگی شیطانی، مبتنی بر قوه واهمه است. قوه واهمه که آن را «قوه شیطنت» می‌گوییم، در کودک وجود دارد و کودک به کمک همین قوه دروغ می‌گوید و دیگران را فریب می‌دهد. اگر وهم و شیطنت در انسان نهاده شده و باطن و سریره‌اش دارای ملکات شیطنانه از قبیل خدعه، تقلب، خبرچینی و غیبت شد، صورت ملکوتی‌اش نیز صورت یکی از شیاطین می‌شود (همان، ۱۳۷۷: ص ۱۵).

ماهیت این نظریه فرهنگی را پروپاگاندا، تبلیغات، جنگ روانی، شست‌وشوی مغزی، فریب، تزویر، نفاق، ریا، تهمت و دروغ تشکیل می‌دهد (ر.ک: پراتکانیس و آرنسون، ۱۳۷۹؛ فیندلی، ص ۱۳۷۸). معنا کردن سیاست به نیرنگ، فریب و خدعه، به‌وسیله اهالی همین فرهنگ اتفاق می‌افتد. به نظر امام خمینی علیه السلام، مسئله جدا بودن دین از سیاست، مسئله‌ای است که با کمال تزویر و خدعه طرح شده است (همان، ۱۳۸۵: ج ۶، ص ۴۱).

ویژگی‌ها

۱. ابزار کار در این فرهنگ، نرم و از جنس کلام و تصویر و هنرهای متنوع و گوناگون است.
۲. ترویج یأس و ناامیدی و خودباختگی و اعتماد نداشتن به خود، یکی از ویژگی‌های کلیدی نظریه فرهنگی شیطانی است که در قبال سایرین از آن استفاده می‌شود.
۳. تحقیر سایر فرهنگ‌ها و بی‌ارزش دانستن آنها، از دیگر ویژگی‌های این نظریه است.
۴. رسانه در نظریه فرهنگ شیطانی نقش کلیدی و حساسی دارد. رسانه‌ها در این نظریه، شیطنت‌محور و به دنبال «جهان‌فریبی» هستند. رسانه‌ها بر محوریت شایعه، دروغ، فریب، تهمت، قلب حقیقت، بزرگ‌نمایی، ترور شخصیت، تحقیر و ترویج ناامیدی و بی‌اعتمادی حرکت می‌کنند. این رسانه‌ها با تبلیغات مزورانه و شست‌وشوی مغزی، به دنبال فریب دادن سایر ملت‌ها هستند.
۵. در این نظریه فرهنگی میان مقام نظر و عمل تفکیک صورت می‌گیرد؛ چون مبتنی بر نفاق، ریا، تظاهر و شیطنت است.
۶. اهالی این فرهنگ ژست خیرخواهانه می‌گیرند، از کلمات شکیل، زیبا، جذاب و مردم‌پسند مثل خلق، مجاهد، جهاد، حقوق بشر، مبارزه با تروریسم، مبارزه با محور شرارت و ... استفاده می‌کنند؛ اما ضد آن شعارها اقدام می‌کنند.
۷. این فرهنگ نگاه ابزاری به دین دارد و از مقدسات به شکل ابزاری استفاده می‌کند.
۸. نظریه فرهنگی شیطانی آینده را تیره‌وتار و پر از مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی ترسیم می‌کند.
۹. روش کار در این فرهنگ، تهاجمی است و با هدف فریب و اغوا از راه‌های گوناگون به سراغ دیگران می‌رود و منتظر نمی‌ماند که آنها بیایند.

۱۰. نظریه فرهنگی شیطانی با برنامه‌ریزی و محاسبه عمل می‌کند و برای رسیدن به اهدافش، دارای برنامه‌ها و سناریوهای دنباله‌دار و مختلف است.

ب. نظریه‌های فرهنگی دوساحتی

۱. نظریه فرهنگی مادی تنازعی

این نظریه براساس مثال امام خمینی علیه السلام، ترکیبی از خوی دو حیوان گاو و پلنگ است. در این نظریه فرهنگی افراد در راستای اهداف خود، از دو اهرم بهره می‌برند. هم می‌کشند و غارت می‌کنند و هم از کشتن و غارت کردن لذت می‌برند. امام خمینی علیه السلام ماهیت رژیم کودک‌کش اسرائیل را بر همین مبنا تحلیل می‌کند؛ جنایتکاری که از جنایت لذت می‌برد (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۷، ۸۵). قرآن بخشی از اعراب جاهلی را دارای این نوع فرهنگ می‌داند؛ همان کسانی که از ترس گرسنه ماندن خود یا فرزندانشان، آنها را می‌کشتند (انعام: ۱۵۱ و اسراء: ۳۱). غذا نماد فرهنگ مادی و کشتن یک طفل بی‌گناه، نماد فرهنگ تنازعی است.

۲. نظریه فرهنگی مادی شیطانی

این نظریه براساس مثال امام خمینی علیه السلام، ترکیبی از خوی گاو و شیطان است. در این مدل افراد برای دست یافتن به تمایلات و خواسته‌های خود، از ابزار فریب بهره می‌برند. هم فریب می‌دهند و هم از فریب دادن دیگران لذت می‌برند و خوشحال می‌شوند و به آن افتخار می‌کنند. مثلاً وقتی کسی به قول معروف، «سر مشتری را کلاه می‌گذارد» و جنس را گران‌تر به او می‌دهد یا جنس معیوب را به جای جنس سالم به او می‌فروشد، در این فضای فرهنگی قرار دارد و براساس این نظریه کار او تبیین می‌شود.

۳. نظریه فرهنگی تنازعی شیطانی

این نظریه براساس مثال امام خمینی علیه السلام، ترکیبی از خوی پلنگ و شیطان است. در ادبیات سیاسی رایج، به جای شیطان به روباه و به جای پلنگ به شیر مثال می‌زنند. در نتیجه این نوع نظریه فرهنگی ترکیبی است از شیر و روباه. «شیر آن قدر قدرتمند است که گرگ‌ها را براند؛ اما آن قدر زیرک نیست که از گرفتار آمدن در تله بتواند پرهیز کند. روباه زیرک است؛ اما قدرتمند نیست» (کلسکو، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۳۰). نظریه فرهنگی در این مدل، باید هم شیر باشد و هم روباه. روباه باید بود تا دام‌ها را شناخت و شیر باید بود تا گرگ‌ها را رماند (همان).

مثال این بخش رضاخان است. او در آغاز ژست طرفداری از مذهب و طرفداری از روحانیت را گرفت و دسته عزاداری قزاق‌ها را به راه انداخت؛ اما وقتی قدرت را به دست گرفت، با مذهب، روحانیت، عزاداری و حجاب مبارزه کرد. به این ترتیب، فریب به اضافه خشونت، بخشی از ماهیت فرهنگی او را تشکیل می‌داد.

ج. نظریه‌های فرهنگی سه‌ساحتی

در این نوع، هر سه نظریه فرهنگی به شکل ترکیبی و شورایی، به صورت پیچیده‌تر وجود دارد؛ هم پلنگ، هم گاو و هم شیطان؛ هم لذت‌جویی، هم درنده‌خویی و هم حيله‌گری. از این رو، خطر آن از سایر فرهنگ‌ها بیشتر است. نمونه بارز این نوع نظریه فرهنگی، دولت آمریکاست. به همین دلیل امام خمینی(ره) آمریکا را شیطان بزرگ نامید.

۱. نظریه فرهنگی مادی تنازعی شیطانی

آمریکا جنگ‌دوست‌ترین کشور در تاریخ جهان است (ر.ک: خبرگزاری ایرنا). عموماً این جنگ‌ها با فریب‌کاری و دغل‌کاری شروع می‌شود و اهداف اقتصادی دارد. مثلاً آمریکا به دروغ مدعی شد که عراق سلاح کشتار جمعی دارد (قوه شیطنت)، بعد به عراق حمله کرد (قوه غضبیه)؛ درحالی‌که هدفش تاراج ثروت عراق و مخصوصاً نفت این کشور بود (قوه شهویه). امام خمینی(ره) از آمریکا به گاوی تعبیر می‌کند که شاخ دارد، اما عقل ندارد (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۸، ص ۲۰).

امام خمینی(ره) شیطنت را هم به آمریکا نسبت می‌دهد و می‌فرماید:

«این عقلی که من عرض می‌کنم، آن عقلی است که «ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ» و «آلّا تدبیر، شیطنت و تدبیر را اینها هم دارند» (همان: ص ۲۰۸).

آنچه در این بخش در مورد صورت‌بندی نظریات فرهنگی متدانی بیان شد، در جدول

ذیل قابل مشاهده است:

وضعیت	نوع نظریات	ساحات نظریه	نوع طبقه‌بندی نظریه
ساده	نظریه فرهنگی مادی	نظریات	نظریات فرهنگی
	نظریه فرهنگی تنازعی	تک‌ساحتی	متدانی

	نظریه فرهنگی شیطانی			
پیچیده	نظریه فرهنگی مادی تنازعی	دوساحتی	نظریات چندساحتی	
	نظریه فرهنگی مادی شیطانی			
	نظریه فرهنگی تنازعی شیطانی			
بسیار پیچیده	نظریه فرهنگی مادی تنازعی شیطانی	سه‌ساحتی		

د. نظریه فرهنگی جامع

۱. نظریه فرهنگی متعالی

برای درک و تبیین نظریه فرهنگی امام خمینی ره که از آن به نظریه فرهنگی متعالی تعبیر می‌کنیم، لازم است به چند پرسش پاسخ دهیم که مسئله امام خمینی چیست؟ نظریه فرهنگی ایشان، به چه مشکلی پاسخ می‌دهد و کدام درد از دردهای بشر را درمان می‌کند؟ اساساً آیا می‌توان یک نسخه به نام نظریه فرهنگی متعالی برای تمامی بشر پیچید؟

از نظر امام خمینی ره، بشر امروز با بحران معنویت روبه‌روست. گرچه رویه ظاهری مشکلات بشر، بحران‌های اقتصادی است؛ اما در حقیقت اساسی‌ترین درد جامعه بشری در شرق و غرب، عدم توجه به معنویت، خدا و مسائل اعتقادی است؛ نه اقتصادی (ر.ک: همان، ۱۳۸۵: ج ۲۱، ص ۲۲۱).

بنابراین، نظریه فرهنگی متعالی به دنبال حل بحران معنویت است که آن هفت نظریه به دنبال حل آن نبودند؛ چون مسئله یکی منفعت، مسئله دیگری سلطه و مسئله سومی مهندسی اطلاعات و مدیریت افکار عمومی و یا ترکیبی از اینها بود.

امام خمینی ره معتقد است که بشر یک مسئله دارد و آن مسئله بحران معنویت است. پاسخ هم توجه به معنویت است که نظریه فطرت امام خمینی این کار را انجام می‌دهد. این نکته، نظریه فرهنگی متعالی را از آن هفت نظریه متمایز می‌کند.

مصادیق بارز این معنویت از نظر امام خمینی اسلام است؛ اسلام ناب محمدی نه هر اسلام می. «اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام مآلهای کثیف درباری، اسلام

مقدس‌نماهای بی‌شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرنه‌ها، و در یک کلمه اسلام آمریکایی» (همان: ص ۸۰) منظور نیست. بنابراین صرفاً با اسم دین و اسلام، نظریه فرهنگی، متعالی و اسلامی نمی‌شود.

تبیین

امام خمینی علیه السلام در تحلیلی کلان از تاریخ، شریف‌ترین، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رویداد تاریخ را بعثت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله می‌داند؛ رویدادی که بزرگ‌تر از آن تا ابد رخ نخواهد داد (همان: ج ۱۲، ص ۴۱۹). از طرفی گفتیم که بزرگ‌ترین بحران بشر، بحران معنویت است. پس آن رویداد بزرگ، پاسخ این بحران فراگیر است.

بنابراین سنخ نظریه فرهنگی متعالی امام خمینی علیه السلام، سنخ و جنسی معنوی، الهی، توحیدی و دینی دارد. در واقع نظریه فرهنگی امام، یکی از محصولات و فراورده‌های مکتب اسلام ناب محمدی است. پس نظریه فرهنگی متعالی آن نظریه‌ای است که قوه عاقله به‌عنوان پیامبر درون و دین به‌عنوان پیامبر بیرون هدایت قوای انسان را بر عهده دارند.

برای تحقق این نظریه فرهنگی براساس مباحث امام خمینی علیه السلام، موارد زیر مهم است:

۱. اولین گام برای تحقق بخشیدن و تقویت نظریه فرهنگی متعالی این است که انسان عزم خویش را جزم کند تا ظاهر و صورت خود را انسان عقلی و شرعی نماید؛ به‌گونه‌ای که شرع و عقل در ظاهر حکم کنند که این شخص انسان است؛ یعنی ظاهرش ظاهر رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشد (همان).

۲. مؤلفه بعدی، اصلاح ظاهر و منطبق نمودن ظاهر خویشتن با دستورات شرع است. این گام، به منزله پی ساختمان نظریه فرهنگی متعالی است. به تعبیر حضرت امام خمینی: «هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی‌شود؛ مگر آنکه ابتدا کُند انسان از ظاهر شریعت» (همان).

۳. تفکیک ظاهر و باطن یک اشتباه راهبردی است؛ زیرا ظاهر و باطن در هم تأثیر دارند و نقطه شروع تأثیر، از ظاهر است و ابتدا ظاهر در باطن تأثیر می‌گذارد. امام خمینی علیه السلام دیدگاه کسانی را که می‌گویند: اصل دل است، رد می‌کند (همان).

۴. حسن ظن داشتن به خدا مرحله دیگر است؛ تا جایی که در امور شخصی تهمت‌ها و افتراها و آزارهای بی‌پایان را هم لطفی از سوی خدا بداند (مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۷). همین نگاه سرشار از حسن ظن به خدای تبارک و تعالی، در امور سیاسی و اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی نیز وجود دارد؛ چنان‌که امام خمینی جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی را تحفه‌ای الهی می‌دانست، تا مملکت روی پای خود بایستد (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲۱، ص ۴۳۴ - ۴۳۳).

۵. در این نظریه ارزش‌های معنوی مهم‌تر از ارزش‌های مادی است و فضایل انسانی، شرافت، کرامت، عزت و استقلال، مهم‌تر از شکم و نیازهای فیزیولوژیک است (همان، ۱۳۸۵: ج ۱۵، ص ۲۶۹).

ویژگی‌ها

۱. جامعیت

در این نظریه هیچ‌یک از قوا حذف نمی‌شوند؛ بلکه همه قوا به رسمیت شناخته می‌شوند. البته تمام قوا باید برای رسیدن به خواسته‌ها و تمایلاتی که دارند، در چارچوب عقل و عدل عمل کنند که در زبان دین به آن چارچوب‌ها و قواعد کلی، حلال و حرام گفته می‌شود. در ادامه چند مورد از جامع‌نگری امام خمینی علیه السلام را مرور می‌کنیم:

امام خمینی ذات تکنولوژی را سکولار و یا ضد دین نمی‌داند؛ بلکه معتقد است که این ابزار استفاده دوگانه دارند و استفاده صحیح از آنها اشکالی ندارد.

ایشان درباره قوه شهویه، نه با لجام‌گسیختگی و بی‌بندوباری فرویدی موافق است و نه با سرکوب نمودن مسیحی و بودایی وار آن؛ بلکه بر بهره‌گیری از آن براساس قانون اسلام و در چارچوب خانواده اصرار دارد.

امام خمینی علیه السلام به اقتصاد و رفاه انسان‌ها اهمیت می‌دهد و با نفی اقتصاد لیبرالیستی و مارکسیستی، از علما می‌خواهد که با ارائه طرح‌های اقتصادی عادلانه کاری کنند که مستضعفان و پابرهنگان در محرومیت و در حسرت یک لقمه نان به سر نبرند (همان: ج ۲۰، ص ۳۴۰ - ۳۳۹).

ایشان در مورد قوه غضبیه معتقدند که اصل این قوا مثل سایر قوا لازم و مفید است؛ زیرا

صورت‌بندی نظریات فرهنگی براساس منظومه فکری امام خمینی(ره) (۱۰۵)

«اجرای حدود و تعزیرات و سیاست الهیه که حفظ نظام عالم کند، در پرتو این قدرت و قوه الهیه است» (۱۳۸۸: ص ۲۴۲)؛ اما هم درنده‌خویی، ظلم و استکبار را نکوهش می‌کند و هم بی‌تفاوتی، ستم‌پذیری و انفعال نشان دادن در برابر ظالم را. از نظر امام خمینی(ره) شجاعت با خشونت تفاوت دارد (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۷: ص ۱۴۳).

۲. حرکت بر مدار عقلانیت و عدالت و معنویت

این سه شاخصه، هویت و موجودیت جامعه توحیدی را شکل می‌دهد. نظریه فرهنگی متعالی بر محور عدل حرکت می‌کند و لذا ظلم در ساحت آن راه ندارد و از انسان و حیوان و گیاه حقی تباه نمی‌شود؛ حتی اگر آن انسان مسلمان نباشد. فضایل اخلاقی به رسمیت شناخته می‌شود و اخلاق و حق و باطل، امور نسبی تلقی نمی‌شوند. معنویت توحیدی به‌صورت جدی در همه عرصه‌ها و ساحات حضور مؤثر دارد و به معاش و معاد توأمان توجه می‌شود.

۳. طرح مسائل به‌صورت صادقانه، شفاف، همه‌فهم و به زبان مردم

«امروز مردم ما صحبت‌های روشنفکر مآبانه را نمی‌فهمند. باید با زبان مردم درد مردم را بیان کرد. تنها در این موقع است که مردم پشتیبان شما می‌شوند و از تحت سلطه ذلت‌بار ابرقدرت‌ها و وابستگان آنان بیرون می‌آیند و در حصن حصین کلمه لا اله الا الله درخواهند آمد» (۱۳۸۵: ج ۱۸، ۳۴۳).

نوع طبقه‌بندی نظریه	شاخصه	وضعیت
نظریه فرهنگی متعالی	انسان و جامعه عاقل عادل توحیدی	جامع؛ دنیوی و اخروی، ظاهری، باطنی، شخصی، خانوادگی، اجتماعی

جمع‌بندی

هدف ما در این مقاله تبیین انواع نظریات فرهنگی بود. در یک طبقه‌بندی کلان می‌توان این هشت نوع نظریه را در دو دسته مطلوب و نامطلوب تقسیم کرد. نظریه فرهنگی مطلوب دارای یک طیف است که از آن به نظریه فرهنگی متعالی تعبیر کردیم. نظریات فرهنگی نامطلوب در هفت طیف و ذیل سه طبقه تک‌ساحتی، دوساحتی و سه‌ساحتی قرار می‌گیرند.

ملاک این طبقه‌بندی، نظریه فطرت امام خمینی علیه السلام است که براساس آن، همه انسان‌ها عاشق کمال مطلق و متنفر از نقص هستند؛ اما در زمینه تشخیص مصداق کمال، دچار خطا و اشتباه عمدی یا سهوی می‌شوند که این امر براساس قوای وجودی انسان منجر به پدید آمدن انواع نظریات فرهنگی می‌شود.

دستگاه فکری امام خمینی علیه السلام با ارائه هشت مدل نظریه فرهنگی، دارای دو بعد سلبی و ایجابی است و ضمن آنکه در ارائه نظریه مطلوب خود به صورت ایجابی موفق است، به خوبی توانایی تحلیل و بررسی و نقد نظریه‌های فرهنگی رقیب را دارد و می‌تواند از آسیب‌های آن در امان بماند و از نقاط مطلوب آنها استفاده کند.

منابع

۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*، قم، نشر آدب الحوزة.
۲. اسمیت، فلیپ دانیل و رایلی، الگزندر (۱۳۹۴). *نظریه فرهنگی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی.
۳. امام خمینی (ره) (۱۳۷۷). *شرح چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.
۴. امام خمینی (ره) (۱۳۸۱). *تقریرات فلسفه امام خمینی (ره)*، *تقریر عبدالغنی اردبیلی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. امام خمینی (ره) (۱۳۸۵). *صحیفه امام*، چاپ چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. امام خمینی (ره) (۱۳۸۸). *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، چاپ سیزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. بلومبرگ، پل (۱۳۹۰). *جامعه غارتگر، فریب در بازار آمریکایی*، ترجمه: مؤسسه خط ممتد اندیشه، تهران، امیرکبیر.
۸. پراتکانیس، آنتونی و آرنسون، الیوت (۱۳۷۹). *عصر تبلیغات: استفاده و سوء استفاده روزمره از افناع*، ترجمه: محمدصادق عباسی و کاووس امامی، تهران، انتشارات سروش.
۹. جونز، ویلیام تامس (۱۳۷۳-۱۳۸۰). *خداوندان اندیشه سیاسی*، ترجمه: جواد شیخ الاسلامی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). *صحاح اللغة*، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۱. چارلز اس، کارور؛ مایکل اف، شی پر (۱۳۸۷). *نظریه‌های شخصیت*، مترجم: احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی، شرکت به‌نشر.
۱۲. خبرگزاری ایرنا، <https://www.irna.ir/news/83279500>.
۱۳. روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۳). *درگستره فرهنگ*، تهران، اطلاعات.
۱۴. فیندلی، پل (۱۳۷۸). *فریب‌های عمده: حقایق درباره روابط آمریکا و اسرائیل*، ترجمه: محمدحسین آهوپی، تهران، وزارت امور خارجه.
۱۵. کلسکو، جورج (۱۳۹۱). *تاریخ فلسفه سیاسی، از ماکیاولی تا منتسکیو*، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران، نشر نی.
۱۶. لبخندقی، محسن (۱۳۹۰). «دلالت‌های نظریه فطرت در نظریه فرهنگی»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۹.
۱۷. مطهری، مرتضی (بی‌تا). *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران، صدرا.

۱۸. مک‌لند، جان (۱۳۹۳). *تاریخ اندیشه سیاسی غرب*، جلد اول؛ از یونان باستان تا عصر روشنگری، ترجمه: جهانگیر معینی علمداری، تهران.

۱۹. موسسه تنظیم آثار امام خمینی (۱۳۹۵). *نامه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی*، تهران، عروج.

۲۰. واسطی، عبدالحمید، تارنمای مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام؛

<http://isin.ir/node/2151>

۲۱. ویلن، تورستن (۱۳۸۶). *نظریه طبقه تن‌آسا*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، چاپ دوم، تهران، نشر نی.

۲۲. ود وارد، باب (۱۳۷۱). *فرماندهان*، ترجمه: فریدون دولتشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات.

۲۳. هاشمیان، سیدمحمدحسین، نامخواه، مجتبی (۱۳۹۴). «جایگاه نظریه فرهنگی امام در فهم انقلاب اسلامی»، فصلنامه *مطالعات انقلاب اسلامی*، دوره ۱۲، شماره ۴۲.

۲۴. هج، مری جو، کانلیف، آن ال (۱۳۸۹). *نظریه سازمان (مدرن، نمادین - تفسیری و پست‌مدرن)*،

ترجمه: حسن دانایی‌فرد، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.